

بررسی ریشه‌شناختی و سیر تحول واژه «عتیق» در قرآن

محمد رضا شاهرودی^۱، اکرم صالحی^۲

چکیده

در بررسی زبان‌شناسی توحیدی واژه «عتیق» که تنها در یک سوره مدنی قرآن/حج به کار رفته است، درمی‌یابیم که مفسران و مترجمان در توضیح این واژه به دلیل ابهام معنای اصیل و صمیم آن، با دشواری‌هایی دست به گریبان بوده و به ترجمه و تفسیر واحد و دقیقی از آن دست نیافته‌اند. به همین دلیل، ابتدا در گزارشی اجمالی اشاره خواهیم کرد که این واژه نزد مترجمان، در دو معنای متفاوت «قدیمی» و «گرامی» به کار رفته است و مفسران نیز به این اختلاف دامن زده و معنای سوم «آزاد» را بر آن افزوده‌اند. پس از آن، در پی یافتن ریشه اصلی این کلمه، با بررسی دیدگاه قاموس‌نویسان در موارد مختلف استعمال آن، مبنی بر وجود دو معنای «قدمت» و «کرامت» در اصل واژه و ادغام معنای «آزادی» در معنای «کرامت» و همچنین بررسی پیشینه این واژه در زبان‌های کهن قبل از ظهور اسلام به این نتیجه خواهیم رسید که واژه «عتق» به معنای «کهنه و قدیمی» در زبان آرامی، به دلیل شباهت در نگارش و تلفظ، با واژه «عتک» به معنای «سبقت و پیشی‌گرفتن» در زبان عبری، دچار تبادل معنایی شده و این هر دو معنا، نقطه مرکزی دایره گسترده معنایی «عتق» را تشکیل داده

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۵ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۲

است. بدین ترتیب، هرآنچه قدیمی است یا نسبت به دیگر اقرانش به نوعی تقدم و برتری دارد با تعبیر «عتیق» عنوان شده و بر این اساس، هر دو معنای ذکر شده در ترجمه آیه شریفه مورد بحث، توجیه پذیر است.

کلید واژه‌ها: عتیق، البیت العتیق، مفردات قرآن، واژه‌شناسی

مقدمه

در گستره مفاهیم قرآنی، برای دستیابی به معنای دقیق متن قرآن و حقیقت آن، این سؤال مطرح است که آیا معنایی که امروزه از یکایک مفردات قرآن استنباط می‌شود، همان معنایی است که به هنگام نزول قرآن به ذهن مخاطبان آن متبادر می‌شده، یا روند تاریخ آن را متحول کرده است؟

بدیهی است که واژه‌های کلامی طی قرون متمادی، دست‌خوش تحوّل معنایی وسیعی شده است؛ چندان که گاه معنای نخست آنها به فراموشی سپرده و مفاهیمی کاملاً بدیع از آن متداول شده است. بنابراین، تحقیق درباره معنای اصلی واژه‌ها و ریشه واقعی آن مفاهیم که معمولاً از یک معنای مادی و ملموس سرچشمه گرفته است، برای راهیابی به درک بهتر مفاهیم قرآن و کشف حقیقت معنای واژگان آن، ضروری به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر در حیطه معاشناختی واژگان، بررسی معنای نخستین کلمات به هنگام تولد و دنبال کردن جریان روح آن معنا در کاربردهای مختلف آن واژه برای مفاهیم متعدد در طی قرون متمادی، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

بر این اساس، می‌توان درسایه سیر تحوّل معنایی یک لغت، که اکنون در هاله‌ای از ابهام است، به همراه درونمایه اصلی آن به ترجمه و تفسیر دقیق‌تری از آن واژه دست یافت. البته برای تحقق چنین منظوری، شواهد دقیق و متقنی مبنی بر فهم مسلمانان عصر نزول از مفردات در دست نداشته و تکیه اصلی تنها بر

منابع لغوی قرن دوم به بعد و تعداد اندکی از ترجمه‌ها و تفاسیر باقی مانده از سده‌های اول تاریخ اسلام است.

واژه «عتیق» نزد مترجمان و مفسران قرآن

واژه «عتیق» در قرآن کریم تنها در دو آیه از سوره مبارکه حج و به مناسبت بحث از اعمال و مناسک حج به کار رفته است: «و لیوفوا نذورهم ولیطوفوا بالبيت العتیق» (حج/۲۹)، «لکم فیها منافع الی اجل مسمی ثم محلها الی البیت العتیق» (حج/۳۳) در این هر دو مورد، این واژه صفت «البیت» واقع شده و به نظر تمامی مفسران، به جز بیضاوی که بر اساس تفسیر خویش از آیه (حج/۳۳)، منظور از این واژه را «بیت معمور» یا «بهشت» می‌داند،^۱ (۱۴۳/۳) مراد از آن، خانه کعبه است.^۲

مترجمان نیز نظیر مفسران، در ترجمه این واژه اختلاف نظر دارند برخی مانند خرمشاهی و ابوالحسن شعرانی، معادلی برای آن ذکر نکرده و استفاده از خود این واژه را در ترجمه خود ترجیح داده‌اند. ولی گروهی مانند دهلوی، محمد خواجوی، مجتبی، فیض الاسلام و آیتی در صدد معادل یابی برآمده، از عبارات «قدیمی»، «کهنسال»، «دیرینه» و... استفاده کرده و به معنای قدمت و کهنگی در اصل آن اشاره داشته‌اند. و یا مانند مکارم شیرازی، معادل آن را «خانه گرامی کعبه» قرار داده و معنای کرامت و عظمت را برای این واژه برگزیده‌اند. در نتیجه، در ترجمه‌های مختلف دو معنای کرامت و قدمت برای این واژه آمده است.

۱. بیضاوی در تفسیر آیه گوید: "لکم فیها منافع دینیة تنتفعون بها الی اجل مسمی هو الموت ثم محلها منتهیة الی البیت العتیق

الذی ترفع الیه الاعمال او یكون فیه ثوابها و هو البیت المعمور او الحنّة". (۱۴۳/۳)

۲. به نظر می‌رسد که «ال» موجود در «البیت العتیق» از نوع «ال» عهد ذهنی است. در آمدن «ال عهد» در هر سه نوع آن به منظور توجه مخاطب به مصداقی خاص از یک جنس صورت می‌گیرد و بر این پایه از دیدگاه مفسران، مراد از «البیت العتیق» یکی از سه مقوله «بیت معمور»، «بهشت»، یا «خانه کعبه» است.

علاوه بر مترجمان که در تعیین معنای این واژه اتفاق نظر ندارند، مفسران نیز دچار این اختلاف بوده و معنای سوم «آزادی» را نیز بر آن افزوده‌اند. و چنانچه ذکر خواهد شد، این سه حوزه معنایی در قوامیس لغت نیز مشاهده می‌شود. آنچه مفسران در شرح این لغت مطرح کرده‌اند، عبارت است از:

(الف) آزاد: آزاد از دست جباران ویرانگر یا آزاد از دست هر مالک از آدمیان و یا آزاد و رها از غرق شدن در ایام طوفان نوح. این معنا در برخی موارد با استناد به روایاتی از امام باقر(ع)، امام صادق(ع)، عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و... است. (میبدی/۳۶۴/۶؛ نسفی/۳/۱۰۰؛ رازی/۱۳/۳۲۳؛ طبرسی/۱۶/۲۶؛ طوسی/۳۱۳/۷؛ لاهیجی/۱۸۳/۳؛

قمی/۲/۸۴؛ کاشفی/۳/۱۵۹؛ زمخشری/۱۱/۳؛ بیضاوی/۱۴۱/۳؛ طباطبایی/۱۴/۴۱۵)

(ب) کهن: با استشهاد به آیه «إِنَّ أَوْلَىٰ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ...» (آل عمران/۹۶)؛ زیرا کعبه اولین خانه‌ای است که آدم(ع) ساخت و ابراهیم(ع) آن را تجدید بنا نمود و با استناد به کاربرد این واژه در این معنا در لغت عرب (میبدی/۳۶۴/۶؛ نسفی/۳/۱۰۰؛ طوسی/۳۱۳/۷؛ رازی/۱۳/۳۲۳؛ جرجانی/۱۹۶/۶؛ کاشانی/۱۵۹/۶؛ مجتهده‌امین/۱۰/۳۵۰؛ زمخشری/۱۱/۳؛ بیضاوی/۱۴۱/۳؛ طباطبایی/۱۴/۴۱۵) و نیز استناد به برخی روایات با این مضمون که چون آدم(ع) بر زمین هبوط کرد، ملائیکه او را گفتند: «اطراف این خانه طواف کن؛ چرا که ما دوهزار سال پیش از تو طواف کرده‌ایم.» (کاشانی/۱۵۹/۶) (ج) گرامی: بدین معنا که این خانه و بانی آن، کریم و گرامی است. این معنا با استناد به کاربرد «عتائق الخیل و الطیر و الفرس» در لغت عرب به معنای «الکرائم منها»، برداشت شده است. (میبدی/۳۶۴/۶؛ نسفی/۳/۱۰۰؛ کاشانی/۱۵۹/۶؛ رازی/۱۲۳/۳؛ شبر/۱۴/۵۲۴)

البته ذکر این نکته ضروری است که وجود جبارانی همچون عبدالله بن زبیر، حصین بن نمیر، مأمور یزید و حجاج بن یوسف، مأمور عبدالملک مروان و قوم قرامطه که در طول تاریخ درصدد ویرانی خانه خدا برآمده‌اند، مفسرانی را که معنای آزاد بودن از دست جبابره را در تفسیر این واژه مطرح کرده‌اند، دچار

اشکال کرده است (طباطبایی ۱۴/۱۵). برخی از آنها مانند کاشانی در پاسخ به این اشکال گفته‌اند: «قصد حجاج گرفتن عبدالله بن زبیر بوده که به خانه خدا پناهنده شده‌بود و پس از آن، خانه را تعمیر کرده‌است». برخی گویند به دلیل وجود پیامبر(ص) در میان آنها، این گروه هلاک نشده‌اند؛ وگرنه هر جباری مانند ابرهه که پیش از ظهور حضرت، قصد تخریب آن خانه را کرده، هلاک شده‌است (طباطبایی ۱۴/۱۵). بیضاوی و زمخشری نیز بر همین عقیده‌اند. (۱۴۱/۳، ۱۱/۳)

«عتق» در گستره مشتقات و مفاهیم

اکنون با توجه به اختلاف ترجمه‌ها و تفسیرهای مطرح شده، به ریشه‌یابی معنا و مفهوم این واژه خواهیم پرداخت. از ریشه «ع-ت-ق»، واژه‌های مختلفی مشتق شده که هر یک برای مفاهیم متعدد و متنوعی به کار رفته‌اند. این مفاهیم عبارتند از: برده و کنیز آزاد شده «عبدعتیق و امرأة عتیقة» (خلیل ۱۴۶/۱، ابن درید: جمهره ۴۰۲/۱؛ ازهری ۲۱۰/۱؛ جوهری ۴/۱۵۲۰؛ ابن فارس؛ مقاییس ۴/۲۱۹ و مجمل اللغة ۳/۶۴۵؛ ابن منظور ۱۰/۲۳۵؛ فیروزآبادی ۳/۱۴۹؛ طریحی ۲/۱۱۶۱)، دختر تازه بالغ «حاریة عاتق» (همان)¹، پرندۀ آمادۀ پرواز «العاتق من الطیر» (همان، بغیر از ازهری و طریحی)، پرندۀ شکاری یا نام خاص برای باز، نوعی پرندۀ شکاری، «عتیق الطیر» (همان، به غیر از ابن درید، ازهری، ابن فارس و فیروزآبادی)²، شخص کریم و جمیل «امرأة عتیقة، ما أعتقه و أبین العتق فیه» (همان به غیر از ازهری و طریحی)³ اسب و شتر زیبا و نجیب «النوق العتیقة، فرس عتیق، عتاق الخیل» (همان)، شراب کهنه، جاافتاده و خوب «العتیق،

۱. این معنا در بیت «أقیدی دماً یا أم عمرو هرقته بكفیک یوم الستر إذ أنت عاتق» (ازهری ۲۱۰/۱) و به شکل جمع در بیت «ولم تنق العواتق من غیور بغیرته و خلین الحجالا» (ابن منظور ۱۰/۲۳۵) به کار رفته است.

۲. عتیق بدین معنا در بیت «فانتزلنا و ابن سلمی قاعدًا کعتیق الطیر یغضی و یجلُّ» (خلیل ۱۴۷/۱) به کار رفته است.

۳. در بیت «هجام المحیا عوھج الخلق سربلت من الحسّن سربلاً عتیق البنائک» (ابن منظور ۱۰/۲۳۶) به کار رفته است.

العائق، المعتمّقة، عتيقة» (همان به غیر از طریحی)^۱، مشک خوب و بزرگ «العائق من الزقاق» (همان)^۲، برگزیده هر چیز (آب سرد، خرما، چربی، شراب، ... و نوعی درخت خرما که خرماى آن تمام نشود) «عتیق» (همان)^۳، کتف و شانه «عائقان» (همان)^۴، اصلاح مال «عتق المال و اعتقت المال» (همان به غیر از خلیل، ابن درید و طریحی) پیشی گرفتن و سبقت جستن اسب و... «عتق الفرس، فرس عائق» (همان به غیر از خلیل و طریحی)، باز شدن گرفتگی چهره «عَتَقَ و عَتَّقَ» (همان به غیر از خلیل، ابن درید و طریحی)، کهنه، قدیمی و پیر شده «عَتَقَ و عَتَّقَ، عتیق» (همان به غیر از ابن درید)^۵، عهد و سوگند قدیمی «أعتق یمنه، عتقت علیه یمین» (همان به غیر از خلیل و ابن درید)^۶، کمان کهنه و قدیمی که رنگ آن متمایل به قرمز شده است «القوس العائق، العاتقة» (جوهری، ابن فارس و فیروز آبادی، همان) و درختی که از آن کمان سازند «العُتْق، العتق» (ابن منظور ۱۰/۲۳۳۷)، گاز گرفتن «عَتَقَ الفرس، عَتَّقَ» (همان به غیر از خلیل، ازهری، ابن فارس و طریحی)، تصرف کردن مکان یا جایگاه کسی یا چیزی «عَتَقَ موضعه» (فیروز آبادی ۳/۱۴۹)، حفر چاه «عتق قلبیه»

۱. این معنا در بیت‌های «وسبیه مما تُعتَق بابل کدم الذبیح سلبتها جرّیا لها» (خلیل ۱/۱۴۶) و «اکالمسک تخلطه بماء سحابة أو عائق کدم الذبیح مدام» (جوهری ۴/۱۵۲۰) بکار رفته است.

۲. این معنا در بیت «أغلی السباء بکلّ أدکن عائقٍ أو حوثة قدح و فئت ختافها» (ازهری ۱/۲۱۰) به کار رفته است.

۳. این معنا در بیت «کذب العتیق و ماء شنّ بارد» إن کنت سائلتی غبوقاً فاذهبی» (ازهری ۱/۲۱۱) به کار رفته و جوهری در معنای این بیت گوید: «اراد بالعتیق، الخمر الذی قد عتق» (جوهری ۴/۱۵۲۰) و «یقال هو الماء نفسه» (جوهری ۴/۱۵۲۱) و ابن فارس در معنای آن گوید: «قال قوم أنّه نوع من التمر العتیق و معنی کذب ای علیک بهذا النوع» (مقایس ۴/۲۱۹)

۴. این معنا در بیت «لا صلح بینی فاعلموه ولا بینکم ما حملت عاتقی» «سیفی و ما کتا بنجد و ما قرقر قمر الواد بالشاهق» (ابن فارس، مقایس ۴/۲۱۹) به کار رفته است.

۵. خلیل برای این معنا به آیه «ولیطوفوا بالبیّت العتیق» (حج/۲۹) اشاره و دلیل آن را چنین عنوان کرده است که خانه کعبه اولین خانه‌ای است که برای مردم بنا نهاده شد. (خلیل، همان)

۶. این معنا در بیت «علی ایة عتقت قدیما فلیس لها و إن طلبت مرام» (ازهری ۱/۲۱۰) به کار رفته است.

(فیروز آبادی، همان) و چاه قدیمی «عاتقة» (ابن فارس، همان)، وصف ابوبکر «عتیق» (همان به غیر از خلیل، ازهری، ابن فارس و طریحی)^۱

چنان‌که مشاهده می‌شود، دایرهٔ رو به گسترش این مفاهیم را می‌توان به سه حوزه معنایی عمده و اصلی^۲ تقسیم کرد:

الف) حوزه معنایی آزادی و رهایی؛

ب) حوزه معنایی قدمت و کهنگی؛

ج) حوزه معنایی زیبایی و برگزیدگی/کرامت.

بر اساس این تقسیم‌بندی، مفاهیمی همچون برده و کنیز آزاد شده، دختر تازه بالغی که هنوز ازدواج نکرده و در تملک شوهر نیست و به آزادی فکری و عقلی نیز رسیده‌است، و پرندۀ آمادۀ پرواز را که به نوعی از رهایی دست یافته، در ذیل معنای اول یعنی «آزادی» می‌توان قرار داد. همچنین، مفاهیم اشیای کهنه و قدیمی، اشخاص پیر و کهنسال، سوگند قدیمی، چاه قدیمی و... با توجه به معنای قدمت در حیطهٔ معنای دوم، قرار خواهند گرفت. در نهایت، مفاهیمی مانند شخص محترم و کریم، اسب زیبا و نجیب، پرندۀ شکاری که در آسمان اوج گرفته و دارد

۱. گفته شده‌است ابوبکر به دلیل جمال و زیباییش بدین وصف خوانده‌شده و نیز گویند که پیامبر(ص) در مورد وی گفته‌است «عتیق من النار». (همان) و بنابر قولی مادرش وی را بدین نام منسوب کرده‌است. (فیروز آبادی، همان)

۲. مفاهیمی همچون گاز گرفتن، تصرف در یک مکان و کتف و شانه را به ترتیب با در نظر گرفتن معنای پیشروی و سبقت جهت حمله، متمایز و خصوصی کردن و تقدم و برتری مکانی شانه نسبت به دیگر اعضای بدن - مطابق نظر راغب - را اگر نتوان با توجه گسترش و اتساع دایره معنایی حوزه سوم، در ذیل آن قرار داد، گریزی از در نظر گرفتن قسم سوم و چهارمی از دایره این معانی و تنها با یک شاهد نیست. لذا در پی دستیابی به معنای اصلی کلمه به بررسی سه حوزه اصلی آن می‌پردازیم.

عظمت و ابهت دارد، شراب خوب و جا افتاده، مشک بزرگ و هر چیزی که در نوع خود برگزیده است، مانند: خرما، عطر خاص و ... را که هر کدام در معنای کرامت داشتن، به دلیل همراهی ارزش‌های زیبایی، جمال، نیکی، عظمت و به طور کل «برگزیده بودن» صراحت دارند، به همراه مفاهیم اصلاح مال، باز شدن گرفتگی چهره و سبقت جستن حیوان و مانند آن را که به طور ضمنی در بردارنده مفهوم جمال و نیکی و کرامت است، می‌توان در ذیل معنای سوم قرار داد.

شایان ذکر است که این سه حیطة معنایی نهفته در اصل لغت «عتیق» در طول تاریخ همچنان بر قوت خویش باقی بوده است. و این حقیقتی است که در ترجمه‌ها و تفاسیر موجود نیز نمایان است.^۲

اکنون سؤال این است که چرا مفسران و لغت‌شناسان در بیان معنای «عتیق» در ذیل آیه «ولیطوفوا بالبيت العتيق» (حج/۲۹) گاه یکی از معانی مطرح شده را ذکر کرده‌اند، و در این مورد نه تنها دچار اختلافند و اتفاق نظری میان آنها وجود ندارد، در مواردی که به هر سه معنا پرداخته‌اند، یا موفق به جمع این معانی، ذیل یک معنای واحد نشده و یا تلاشی در این جهت نکرده‌اند؟

برای مثال، خلیل آیه شریفه مذکور را شاهد مثال معنای «قدیم» برای این واژه آورده و دلیل آن را آیه «إن أول بيت وضع للناس...» (آل عمران/۹۶) بر شمرده است. و در مقابل، ابن‌درید دلیل نام‌گذاری خانه کعبه را بدین نام «رهایی و آزادی از تملک بنی‌آدم» دانسته است. و ازهری با ذکر دو روایت^۳ و نیز

۱. ابن فارس گوید: «عتاق الطیر»، «اکرم الطیر» هستند. زیرا شأن آنهاست که صید می‌کنند و صید نمی‌شوند. (همان)

۲. هم اکنون «عتیق» در معانی قدیمی، باستانی، دیرین، کهن، جاافتاده، منسوخ، غیر متداول، آزاد، نجیب، شریف و آزاده به کار می‌رود. (آذرنوش، فرهنگ معاصر/۴۲۰)

۳. قال الحسن: هو البيت القديم و دلیله قوله تعالی: «إن أول بيت وضع للناس للذي ببكة مبارک». (آل عمران/۹۶)

فیروزآبادی و ابن‌منظور هر دو معنای «آزادی از دست جباران و تملک دیگران» و «قدیمی» را مطرح کرده‌اند. براین اساس، خلیل که در میان قاموس نویسان از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار است، تنها به معنای «قدمت» اشاره داشته و پس از اوست که دامنه تفسیری این کلمه، گسترش می‌یابد و آزادی نیز مطرح می‌شود.

ریشه‌یابی معنای اصلی «عتیق»

برای یافتن ریشه اصلی معنای این کلمه، ناچار به بررسی موارد مختلف استعمال آن بازگشته و سعی می‌کنیم تا مجموعه‌های مطرح شده را به صورت واحد در آوریم.

ظاهر امر، این‌گونه است که در این دایره معنایی، «قدمت» و «آزادی» بخش کمی را به خود اختصاص داده‌است اما در مقابل کاربرد این واژه در مفاهیمی که ریشه در معنای نیکی، جمال، علو، برتری و بزرگی دارد، بسیار بوده و به هر شیء خوب و نیکو یا شخص زیبا، کریم، نجیب و محترم و به طور کل مصادیق برگزیده از هر نوع، «عتیق» یا واژه‌ای از این نوع، اطلاق شده‌است. هرچند در برخی موارد، برتری آن به دلیل قدمتش باشد، مانند «شراب خوب و جافتاده» که مدت زمان زیادی از آن گذشته‌است.

به هر ترتیب با دقت در این سه معنا می‌توان شعبه‌های معنایی «عتیق» را کاهش داد. به این صورت که میان معنای «آزادی» و «کرامت» اتحاد برقرار کرده و چنین نتیجه گرفت که: هر آنچه آزاد است، از نوعی کرامت و احترام و اهمیت برخوردار است، و به عبارتی موجود آزاد، از آن جهت که کرامت و برتری می

و قال غیره: البیت العتیق: أعتق من الغرق أيام الطوفان و دلیلہ قولہ تعالیٰ «و إذ بوأنا لإبراهیم مکان البیت». (حج/۲۶) و هذا دلیل علی أن البیت رفع و بقی مکانہ و قبل إنه اعتق من الجبابرة و لم یذعه أحد منهم.

یابد، «عتیق» است. و بدین ترتیب، آزادی را از اصل معنای «عتیق» حذف کرده تا به اصل کلمه نزدیک‌تر شد. به عبارت دیگر تنها دو حوزه «کرامت» و «قدمت» را در نظر گرفت. همچنان‌که برخی از لغویان نیز به این دو معنا نظر داشته و تمامی کاربردهای دیگر را حول این دو معنا توجیه کرده‌اند. (ابن فارس ۲۱۹/۴)

البته خلاف این نظر که «آزادی» درد معنای «کرامت» ادغام می‌شود، نیز مطرح است. آقای مصطفوی^۱ اصل واحد این کلمه را «اطلاق و آزادی از هر قید و بندی» برمی‌شمرد و معانی بیان شده را در ذیل آن قرار می‌دهد. مثلاً «عتیق» در عبارت «عبد عتیق» به معنای انسان خارج از محدوده عبودیت و بردگی است و «عائق» در عبارت «فرس عائق» به معنای خارج از حدود و سیر مسابقه با اسبان دیگر و توصیف بیت به «عتیق» در عبارت «بیت عتیق» به مفهوم خانه‌ای رها و آزاد از هر حدود و نسبتی است؛ چنان‌که تنها منتسب به خدای متعال است. وی بر این اساس، مفاهیم «قدمت» و «جمال و کرامت» و امثال آن‌را از لوازم این اصل واحد می‌داند؛ (۲۶/۸-۲۷) اما راغب اصفهانی نیز این مفاهیم را تحت معنایی متفاوت از این معنا قرار داده و در بیان اصل این کلمه گوید: «العتیق، المتقدم فی الزمان أو المكان أو الرتبة» و معتقد است نوعی برتری زمانی و مکانی و رتبه‌ای، معنای اصلی این واژه است و قدیم و کریم و آزاد، هر یک به دلیل چنین تقدیمی «عتیق» نامیده شده‌اند. (ص ۵۴۵)

بر خلاف نظر این محققان، که البته در جای خویش ارزشمند و قابل توجه است، بهتر آن است که به همان دو معنای اصلی «قدمت» و «کرامت» که با توجه به موارد مختلف استعمال این واژه در لغت عرب، بدست آوردیم، توجه داشته و

۱. مصطفوی از جمله محققان معاصر است که به دنبال یافتن اصل مفردات قرآنی و کشف معنای اصلی آن اقدام به نگارش کتابی با عنوان «التحقیق فی کلمات القرآن بیحیث عن الاصل الواحد فی کل کلمة تطوره و تطبیقه علی مختلف موارد استعمال فی کلامه» نموده و تا حدودی در این عمل موفق بوده‌است.

برای یافتن حقیقت معنایی این واژه به پیشینه آن قبل از ظهور اسلام و کاربرد آن توسط اعراب در دوران نزول قرآن بپردازیم.

ریشه‌یابی مفهوم «عتیق» در زبان‌های کهن

بر اساس تحقیقات انجام شده توسط جفری، این واژه در زبان اکدی به صورت «etequ» و در زبان عبری به صورت « $\text{ק} \text{ט} \text{ק}$ » و به معنای «حرکت دادن و پیش رفتن»، به کار رفته و مفهوم کهنه و قدیمی خاص زبان آرامی است و عرب متأثر از آرامی آن را به کار می‌برد. جفری گوید: واژه‌های آرامی « $\text{ק} \text{ט} \text{ק}$ » و « $\text{ק} \text{ט} \text{ק}$ ، $\text{ק} \text{ט} \text{ק}$ » کاربرد عام دارند و واژه « $\text{ק} \text{ט} \text{ק}$ » به مفهوم کهنه و قدیمی در یک کتیبه پالمیری متعلق به ۱۹۳ میلادی بکار رفته است. در این صورت احتمالاً این واژه در زمان قدیم از یک منبع آرامی وارد زبان عربی شده است. (جفری، ۳۱۲)

بر طبق گفته جفری، وجود دو ریشه متفاوت یعنی «حرکت دادن و پیش رفتن» و «کهنه و قدیمی» که در دو زبان آرامی و عبری کاربرد داشته است، برای این کلمه اثبات می‌شود. به طوری که معنای کهنه و قدیمی در زبان آرامی به تدریج، وارد زبان عربی شده و این کلمه، به هر دو معنا به کار رفته و دایره آن گسترش یافته است. آنچه این نظر را تأیید می‌کند، کاربرد واژه «عتک» در زبان عربی است که اکنون به معنای «حمله کردن» و در قالب اسم فاعل «عاتک» به معنای «صاف، خالص و ناب» بکار می‌رود. (آذرنوش، فرهنگ معاصر/ ۴۲۰)

این واژه در طول تاریخ لغت عرب، در مواردی با معنای مشابه کاربردهای واژه عتق بکار رفته است: «عتک الفرس» به معنی «حمله کردن در جنگ و آمادگی است برای تازیدن» (ابن منظور ۱۰/۴۶۳، الشرطوتی ۷۴۲/۲) «عتک القوس و هی عاتک» به معنی «رنگ آن قرمز شده و کهنه گشته است.» و همانند این موارد در

عبارت های «إمرأة عاتكة» به معنای «زن نیکو جمال و زیبا»، «نیبذ عاتک» به مفهوم «شراب خوب و خالص»، و «کل کریم عاتک» به کار رفته است. (ابن منظور ۱۰/۶۳۷) با توجه به موارد مشابه استعمال این دو واژه و اشتراک آنها در معنای واحد، می توان به این نظریه دست یافت که دو واژه «عتک» و «عتق» در زبان عبری و آرامی به دلیل شباهت نگارشی و تلفظی به یکدیگر، در اثر تبادل زبان و فرهنگ، هر یک علاوه بر حفظ معنای خویش، معنای دیگری را نیز پذیرفته است. بدین صورت که به احتمال بسیار قوی «عتک» به معنای پیش رفتن و سبقت جستن در زبان عبری و «عتق» به معنای قدیم و کهنه در زبان آرامی به کار رفته و به دلیل نگارش واحد دو حرف کاف و قاف در خط نگارشی عبری و آرامی، میان این دو واژه تبادل معنایی صورت گرفته است. و «عتک» و «عتق» به هر دو معنای «پیش رفتن و سبقت جستن» و «کهنه و قدیمی» بکار رفته اند.

بنابراین، «عتق» دو ریشه معنایی متفاوت دارد که در اصل در معنای «قدیم» به کار می رفته و چنانچه جفری نیز متذکر شده کاربردی عام داشته است. آرامی آن را به صورت «tyqin» و سریانی و مندانی به صورت «atiqa» و پالمیری «tyqa» و «tyqin» این واژه را در معنای «کهنه و قدیمی» به کار می بردند. (مشکور/۵۶۶) این واژه در معنای «قدیم و کهنه» بعدها وارد زبان عبری شده و عبری به همراه «عتک» در معنای سبقت جستن این واژه را نیز در این معنا استعمال کرده است. به عبارت دیگر، معنای «قدیم و کهنه» برای این واژه در زبان عبری یک معنای دخیل است؛ ولی خود واژه، بیگانه نیست.

در نتیجه، نقطه مرکزی دایره معنایی «عتق»، عبارت است از «قدمت» و «پیشی گرفتن و پیش رفتن» که به تدریج هر آنچه را که به نوعی از مابقی انواع خویش تقدم و برتری داشته است و نیز هر آنچه بهترین و نیکوترین یک نوع بوده است، با تعبیر «عتیق» عنوان کرده اند. چنانچه در مورد کاربرد اولیه «عتق» در

معنای پیش‌رفتن و حرکت‌کردن، این واژه بیشتر در مورد اسب و پیش‌تاختن آن و سبقت گرفتن از اسب‌های دیگر بکار رفته‌است. و به همین وجه به اسب‌های تک‌تاز و تندرو که در مسابقات از اسبان دیگر پیشی می‌گیرند، «عتاق الخیل» گویند. (خلیل ۱۴۶/۱؛ ابن‌درید؛ جمهره ۴۰۲/۱؛ ازهری ۲۱۰/۱؛ جوهری ۱۵۲۰/۴؛ ابن‌فارس؛ مقایس ۲۱۹/۴، مجمل اللغة ۳/۶۴۵؛ ابن‌منظور ۱۰/۲۳۵؛ فیروزآبادی ۱۴۹/۳؛ طریحی ۲/۱۱۶۱) آنها در نوع خود، بهترین بشمار می‌روند و از ارزش و کرامت بیشتری برخوردارند. و از آنجا که در برخی موارد قدمت یک شیء موجب کرامت و برتری آن شیء شده‌است، این دو معنا با یکدیگر تلفیق یافته و کاربرد «عتیق» در معنای برتری، علو و کرامت توسعه بیشتری پیدا کرده‌است. برای مثال شراب خوب جاافتاده که مدت زمان بیشتری بر آن گذشته‌است و به تعبیری شراب کهنه را «عتیق» گویند. (همان به غیر از طریحی) و این هم به دلیل قدمت آن، هم به دلیل کرامت و نیکی آن است.

با این حال، به نظر می‌رسد کاربرد واژه «عتیق» برای کعبه با توجه به معنای قدمت و پیشینه وسیع تاریخی آن است و کرامت و ارزش نیز به تبع همان برای آن حاصل شده‌است؛ زیرا نخستین قطعه زمینی است که به حسب آیه «إن اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکاً» (آل عمران/۹۶) مورد شرافت و فضیلت قرار داده‌شده و موجب خیر و برکت گشته‌است.

اما اینکه کاربرد وصف «العتیق» برای «البیت»، در ارتباط با مضمون آیه، دربردارنده چه پیام و مفهوم خاصی است، مسئله‌ای است که باید مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد؛ چرا که در تمام موارد دیگر قرآن از کعبه با نام «البیت الحرام» یاد کرده‌است. البته تناسب معنای «الحرام» و «العتیق» نیز با توجه به مطالب گفته شده قابل توجیه است و می‌توان با توجه به تعبیر «البیت الحرام»، معنای «حرمت و کرامت» را در واژه «العتیق» نتیجه گرفت؛ زیرا خانه خدا «البیت الحرام» از جمله

حرماتی است که در ادامه آیه شریفه، مورد ستایش و تعظیم واقع شده است «ذلک و من یعظم حرمت الله فهو خیر له عند ربه» (حج/۳۰) و در معنای عتیق نیز چنانچه ذکر شد، کرامت و ارزش نهفته است. و همواره کعبه، مورد احترام و ارزش بوده حتی در جاهلیت عرب نیز چنین بوده است و در شریعت ابراهیم نیز حج این خانه جزو مراسم عبادی بوده است. البته قدمت آن به عنوان «أول بیت وضع للناس» و برکت و خیر کثیر آن و بسیار صفات دیگر است که موجبات حرمت آن را فراهم آورده است و به آن کرامت بخشیده است. لذا هر دو معنای «کرامت» و «قدمت» در این آیه شریفه، صادق است. اما معنای آزادی که با توجه به برخی روایات، در بیان علت نام‌گذاری آن گفته شده است، نیز با توجه به کاربرد «عتیق» در معنای «آزاد»، در زبان عرب صحیح است. و این معنایی است که به طور ضمنی نه اصالتاً از این واژه به دست می‌آید.

در توجیه کاربرد این واژه در چنین مواردی شاید بتوان گفت هنگامی که عرب برده‌ای را آزاد می‌کرد، گویی او را از یوغ اسارت و بند بردگی رها کرده و به سوی سرنوشت خویش، حرکت می‌دهد و آزادانه به پیش می‌فرستد. به عبارتی این حرکت آزاد و رهای برده و پیشروی او به سمت زندگی خویش با اراده و سعی خودش متناسب با حرکت دادن اسب و پیش راندن آن است که در اصل معنای این لغت بود، همچنین، چون به دنبال آن نوعی ارزش و کرامت را نیز با خود حمل می‌کند، از همین واژه برای آزادی بردگان نیز استفاده شده است. به همین ترتیب شخص آزادی که از نوعی احترام و کرامت برخوردار است «عائق» خطاب شده است. جفری در تأیید این مطلب گوید: «عتق» در این معنا در شعر کهن عربی به کار رفته است (ص ۳۱۲) و چون شعر بهترین جایگاه برای کاربرد معنایی در غیر معنای اصلی آنهاست، عرب در شعر از این واژه برای رهایی و آزادی استفاده کرده است و پس از آن در زبان عربی متداول شده است.

بنابراینچه ذکر شد، روایات و بیاناتی که حاکی از آزادی خانه خدا از دست جباران و تملک دیگران و طوفان نوح است، توجیهاات و توضیحاتی است که مطابق و متناسب با این معنا در تفاسیر، عنوان کرده اند و معنای اصلی آن چنانچه گفته شد، قدمت و ارزش و کرامت است که در این مصداق یعنی خانه خداوند دو معنای لازم و ملزوم هم محسوب می‌شوند. و مترجمان به هر دوی این معنای توجه داشته و هر یک، یکی از آن دو را برگزیده اند.

نتیجه

در بررسی اولیه ریشه شناختی واژه «عتیق» در لغت عرب، نزد قاموس نویسان و همچنین مترجمان و مفسران قرآن کریم، از میان تمامی مفاهیم مطرح شده، دو معنای ریشه‌ای «قدمت» و «کرامت»، قابل توجه است؛ اما پس از تحقیق در پیشینه کاربرد این واژه در زبان‌های آرامی و عبری، پیش از نزول قرآن کریم، آنچه قابل توجه است، آن است که این واژه در اصل، در زبان آرامی، در مفهوم «قدیم» استعمال شده و پس از ورود به زبان عبری به دلیل شباهت نگارشی با واژه «عتک» در معنای «سبقت جستن» دست‌خوش تبادل معنایی شده و بدین ترتیب، مفاهیم «قدمت» و «سبقت» و به دنبال آن هرآنچه به معنای تقدم و برتری است، در دایره معنایی این واژه قرار گرفته‌است. لذا به همین نسبت، وصف «عتیق» برای خانه خداوند از آنجا قابل توجیه است که دو معنای لازم و ملزوم قدمت و تقدم/کرامت داشته؛ و بر همین اساس است که مترجمان در ترجمه واژه به این دو مفهوم اشاره داشته‌اند. در ادامه این بحث، از جمله موارد قابل تحقیق و بررسی، رابطه معنایی عبارت «البیت العتیق» با عبارت «البیت الحرام» است که در دیگر آیات قرآن، خانه خداوند بدان توصیف شده و به طور اجمال در متن مقاله به آن اشاره شده‌است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛
- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ه.ش؛
- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ه.ش؛
- ابن درید، ابو بکر محمد بن الحسن، جمهرة اللغة، بیروت، دارالعلم الملايين، چاپ اول، ۱۹۸۷م؛
- ابن فارس، أبو الحسين أحمد، معجم مقاییس اللغة، قاهره، دار إحياء الكتب العربية، چاپ اول، ۱۲۶۶ ه.ق؛
- ابن فارس، أبو الحسين أحمد، مجمل اللغة، قاهره، دار إحياء الكتب العربية، چاپ اول، ۱۲۶۶ ه.ق؛
- ابن منظور، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق؛
- ازهری، أبو منصور محمد بن احمد، تهذيب اللغة، مصر، دارالقومية العربية، ۱۳۸۴ ه.ق؛
- بانوی اصفهانی، امین، نصرت بیگم، مخزن العرفان در علوم قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ه.ش؛
- بیضاوی، أبو سعید عبدالله بن عمر، تفسیر البیضاوی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰ ه.ق؛
- جرجانی، أبوالمحسن الحسین بن الحسن، تفسیر گازر(جلاءالأذهان...)، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۷ ه.ش؛
- جفری، آرتور، واژه های دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۷۲ ه.ش؛
- جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت، دارالعلم الملايين، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ه.ق؛

- خرمشاهی، بهاء‌الدین، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات نیلوفر جامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش؛
- خواجوی، محمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۹ ه.ش؛
- رازی، أبو الفتوح، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنیاد آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ه.ش؛
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن المفضل، مفردات الفاظ قرآن، دمشق، دارالعلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق؛
- زمخشری، ابو القاسم جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن... بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۳ ه.ق؛
- شبر، السيد عبدالله، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار البلاغة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق؛
- شعرانی، میرزا ابوالحسن، ترجمه قرآن، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ه.ش؛
- الشرتوتی اللبنانی، سعید، أقرب الموارد، بی جا، بی تا؛
- شاه ولی الله دهلوی، ابو الفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم، ترجمه قرآن، پیشاور، کتب خانه بی تا؛
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ه.ق؛
- طبرسی، أبوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۹ ه.ق؛
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مؤسسه البعثة، بی جا، بی تا؛
- طوسی، أبو جعفر محمد بن الحسن بن علی، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الأعلام الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق؛
- فراهیدی، أبو عبد الرحمن الخلیل بن أحمد، العین، ایران، انتشارات دارالهجرة، ۱۴۰۵ ه.ق؛
- فیروزآبادی، مجد الدین، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط. بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۲ ه.ق؛
- فیض الإسلام، ترجمه قرآن، بی جا، بی تا؛

- قمی، علی بن إبراهیم، تفسیر القمی، قم، مؤسسه دارالکتب للطباعة و النشر، چاپ سوم؛
- کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۴۴ هـ ش؛
- کاشفی، کمال الدین حسین (واعظ)، مواهب علیه (تفسیر حسنی)، تهران، کتابفروشی اقبال، چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ ش؛
- لاهیجی، بهاءالدین محمد شریف، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳ هـ ش؛
- مجتوبی، سید جلال الدین، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ ش؛
- مشکور، محمد جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۵۷ هـ ش؛
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ ش؛
- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، دار القرآن الکریم و دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ هـ ش؛
- میبدی، رشید الدین أبو الفضل، کشف الأسرار و عذرة الأبرار، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۷ هـ ش؛
- نسفی، أبو حفص نجم الدین عمر بن محمد، تفسیر نسفی، تصحیح عزیز الله جوینی، بی جا، بی تا.

تحریّ الاشتقاق و التطور عن اللفظة «العتیق» فی القرآن

محمد رضا شاهرودی، اکرم صالحی

الخلاصة

عندما تتحرى لفظة «عتیق» التي استخدمت مرة واحدة في سورة الحج المدنية، كما يلهمنا علم اللغة التوحيدي، نجد مفسري القرآن الكريم و الذين بحثوا عن مداليل مفرداته لم يتطرقوا الى ترجمة واحدة بالضبط، و نحن في هذا المجال نشير اشارة عابرة إلى أنّ هذه اللفظة استخدمت في معنيين مختلفين - اعنى «القدم» و «الكريم»- في حين ان المفسرين قد زادوا في دائرة الخلاف و أضافوا عليه معنى ثالثاً و هو الحرية .

ثم، إننا بحثاً عن اصل هذه اللفظة الصميم، تخرينا في القواميس عن مواضع استعمالها المختلفة، حيث وجدنا معنى «القدم» و «الكرامة» في أصله و بعد ادماج معنى الحرية في معنى الكرامة و ايضا بعدما بحثنا عن مواضع استعمال هذه اللفظة في اللغات القديمة قبل ظهور الاسلام، رأينا أن اللفظة «عتق» بمعنى «القدم» لشبهها في اللغة الاسلامية في الكتابة و النطق باللفظة «عتك» التي بمعنى «الانسباق» و «التقدم»، قد تبدلت في العبرية معنى، و كلا المعنيين قد شكّل البؤرة المركزية لنطاق مفهوم «العتق» الواسع.

و على هذا الأساس يفسر أن كل ما هو له قدمة و له استباق على سائر نظرائه، قد عبرت عنه باللفظة « العتيق ».

المفردات الرئيسية: العتيق، البيت العتيق، مفردات القرآن، علم اللغة